

آینه

آینه

جلوگیری از گسترش اعتراضات باتکیه بر حکمرانی خوب

● گفت‌وگو با فیض‌الله عرب‌سرخی: حتما همه ما نقشی کمابیش در این رویکرد اعتراضی مردم داشته‌ایم و باید به نقش خود نگاه کنیم. شاید باید جاهایی همدلی بیشتری داشتیم، توضیحات بیشتری می‌دادیم و بیشتر پاسخ‌گوی نارضایتی‌ها و گل‌ها بودیم. شاید لازم بود در جایی گفتمان‌مان را بیشتر به‌روز کنیم و به فهم و نظر عامه مردم باید نزدیک‌تر شویم. شاید مسائلی مانند عدالت اجتماعی مورد غفلت قرار گرفته باشد. اینها مسائلی است که ممکن است بخشی از آن سهم اصلاح‌طلبان باشد؛ اما واقعیت این است که اگر به تاریخ اصلاحات دقت کنیم، بیشتر نقش هشداردهنده داشته‌اند؛ برای اینکه نارضایتی‌ها به اعتراضات وسیع بدل نشود. الان هم معتقدیم با تکیه بر حکمرانی خوب می‌شود از گسترش دامنه این اعتراضات و نارضایتی‌ها جلوگیری کرد و رضایت معترضان امروز را هم جلب کرد. جامعه به هیچ جبرانی تعهدی نداده است. اگر روزی احساس کند که با اصلاح‌طلبی نمی‌تواند مطالبات خود را وصول کند حتما راه دیگری برای آن پیدا می‌کند و از اصلاحات هم عبور می‌کند. جامعه می‌خواهد به هدفی برسد. یک مسیر پیش پایش گذاشته می‌شود. امتحانش می‌کند و اگر متوجه شد که راه مسدود است و به هدفش نخواهد رسید طبیعی است که به راه‌های دیگر هم فکر کند و حتی مسیرش را عوض کند. در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که جامعه به عبور از اصلاح‌طلبی رسیده باشد. چون دستاوردهای ملموسی را جامعه، از مسیر اصلاح‌طلبی داشته است و در حال سب است. اگر همین حرکت تدریجی را به یاس‌ها مامن نزنیم و عوض آن امید بیافزینیم و دستاوردها را به همان اندازه ناکامی‌ها مطرح کنیم، جامعه قطعاً به عبور از اصلاح‌طلبی نخواهد رسید.



هزینه‌های تأمین امنیت

● «سوریه را رها کن – فکری به حال ما کن». این عبارت از جمله شعارهای برخی از معترضین یا اغتشاشگران در حوادث دی‌ماه بود… پیام این شعار و معنایش بسیار روشن است. کسانی که این شعار را مطرح می‌کنند در واقع می‌گویند ما نیازهای مهم‌تر از سوریه داریم، چرا به این نیازها توجه نمی‌شود؟ صرف نظر از اینکه شعار مذکور، ساخته و پرداخته کس است، اتاق‌های فکر است و چرا در شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان به صورت مستمر روی این موضوع کار می‌شود، باید گفت، اقدامات مستشاری ایران در خارج از کشور و خصوصا در سوریه و عراق، در راستای تأمین نیازهای ملی تک‌تک ایرانیان است. امنیت یعنی نداشتن ترس، وحشت و نگرانی برای زنده‌ماندن و حفظ دارایی‌ها. جامعه برخوردار از امنیت، موقعی متوجه ارزش امنیت می‌شود که برای مقطعی آن امنیت را از دست بدهد، همانند کسی که ارزش داشتن دندان سالم را موقعی می‌فهمد که از سر شب تا به صبح، مبتلا به دندان درد شدید گردد. فرد مبتلا به دندان درد شدید، حاضر است هر کاری را برای رهایی از درد انجام دهد. معنای این سخن آن است که کشور و ملت گرفتار ناامنی، برای رسیدن به امنیت دست به هر کار ممکن خواهد زد.

کیم

شگفتی‌های انقلاب آخرالزمانی

- محمد ایمانی:** انقلاب اسلامی در کدام موقعیت

قرار دارد؟ آیا مانند اغلب انقلاب‌های غرب و شرق دنیا پایان یافته یا همچنان در جریان است؟ آورده‌اش چه بوده است؟ بیم آن می‌رود که در انبوه شبهات، حقیقت انقلاب دیده نشود. به‌عنوان مثال می‌گویند چرا از هفت رئیس جمهور پس از انقلاب، پنج نفر سلسله‌دار از آب درآمدند؟ آن دو نفر دیگر، یکی شهید و یکی رهبر شده است. آیا این مسئله‌دارشدن رجال، نشانه ضعف انقلاب نیست؟ انقلاب اسلامی، همچنان که نظم استبدادی را برهم زد، نسبت به نظم غالب در دنیا نیز شالوده‌شکن نبود. اما فراتر از همه اینها، انقلابی «آخرالزمانی» است. بنابراین برخی اتفاقات آن نیز در عرصه ریزش‌های عجیب و روش‌های عجیب‌تر، آخرالزمانی است. درست در همین دوره، ابتدا تک‌نکرات‌های کارگزاران و سپس مؤتلفان اصلاح‌طلب آنها در ایران سر کار می‌آمدند که در اظهار ضعف نسبت به آمریکا مشترک بودند و بر طمع جهان‌گشایان می‌افزودند. براساس معادلات ظاهری و تحولات جهانی در حد فاصل ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳، کار ایران هم تمام بود. اما روند تحولات در همین ۱۷ سال گذشته –به‌واسطه مدیریت راهبردی جانشین حضرت روح‌الله- چنان با موفقیت‌های معجزه‌آسا برای ایران رقم خورد که مایک پیمپوتی رئیس سازمان سیا همین چند ماه قبل در گفت‌وگو با شبکه « MSNBC» تأکید کرد «نفوذ ایران در منطقه در مقایسه با هفت سال گذشته (۲۰۱۰ میلادی/ ۱۳۸۹ شمسی) بسیار بیشتر شده است… اگر کسی ریزش یا لغزش اتمال بنی‌صدر و خاتمی و موسوی و هاشمی و احمدی‌نژاد و روحانی را می‌بیند – که در نوع خود مهم است- باید روشن نبو به نو شاخه‌های درخت انقلاب را در قالب حسن باقری‌ها و تهرانی‌مقدم‌ها و مجید شهبازی‌ها و احمدی‌روشن‌ها و محسن جججی‌ها و نصرالله‌ها و زکراکی‌ها و عیسی قاسم‌ها و حوثی‌ها را هم ببیند که هرکدام فرسنگ‌ها بر قلمرو انقلاب اسلامی افزوده‌اند.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

خوانش حضور محمدتقی ارانی در تاریخ جنبش چپ ایران به بهانه سالگرد درگذشتش

حلقه وصل ۵۳ نفر

شیرین کریمی



از ظلم و استعمار رعیت توسط حکام و اعیان و اشراف ارانه می‌داد و سپس اهمیت انقلاب مشروطه و آزادی‌خواهی را یادآور می‌شد، درباره سلطنت پهلوی هشدار می‌داد و با اشاره به خیزش‌های انقلابی مردم در فرانسه، آلمان و روسیه، مردم ایران را نیز به اتحاد، فداکاری، مبارزه با استبداد و انقلاب دعوت می‌کرد و هدف را استقرار حکومت جمهوری ملی در ایران بیان می‌کرد.^۱

«فرقه جمهوری انقلابی ایران» را نمی‌توان یک جریان کمونیستی تلقی کرد؛ پس از بازگشت اعضای این فرقه به ایران، اکثر آنها در مناصب دولتی مشغول به کار شدند. در فضایی که حکومت رضاشاه به شدت کمونیست‌ها را سرکوب می‌کرد، این افراد، از جمله تقی ارانی، مضعیتی برای بازگشت و فعالیت دولتی در ایران نداشتند. از طرفی در هیچ‌یک از اسنادی که درباره «فرقه جمهوری انقلابی ایران» منتشر شده است نامی از تقی ارانی برده نشده است.^۱ بنابراین در هنگام بازگشت ارانی از آلمان به ایران از طرف حکومت رضاشاه حساسیتی روی او به عنوان یک معترض سیاسی وجود نداشت.

به علاوه تقی ارانی خود متذکر شده بود که «فرقه جمهوری انقلابی ایران» هیچ ارتباطی به «حزب کمونیست ایران» و تفکر کمونیسم ندارد، همچنین در مقاله «حزب کمونیست ایران» که در ماهنامه «ستاره سرخ» در اردیبهشت ۱۳۰۹ ش منتشر شد، آمده بود: «از نظر کمیتزن و «حزب کمونیست ایران»، ارانی و یارانش در «فرقه جمهوری انقلابی ایران» یک جریان سیاسی راست و طرفدار جمهوری دموکراسی بورژوازی هستند، اینها افرادی از میان ناراضی‌ها، طبقات منورالفکر و نمایندگان بورژوازی و بورژوازی کوچک هستند که در اروپا کار هم آمده‌اند و برنامه مشخصی ندارند و در مهم‌ترین سندی که از ایشان در دست است دقیقاً ذکر نشده منافع کارگران و دهاقین چیست و چگونه این جمعیت از آن دفاع خواهد کرد؟ مبارزه این جمعیت فقط برای استقرار جمهوری ملی یا جمهوری دموکراسی بورژوازی است. یک کلمه از تقسیم زمین بین زارعین و انقلاب زراعتی، یعنی حکومت سautی (شوروی سوسیالیستی). نیست. شعار آن به کلی دروغ، غلط و باعث گمراهی صنف کارگر است». تجزیه وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران که در بیانیه این فرقه آمده است ممکن است در نظر اول مارکسیستی به نظر آید، ولی با مطالعه دقیق می‌توان فهمید که این تجزیه خیلی از مارکسیسم دور است و بنابراین به هیچ‌وجه با نظریات مارکسیستی ارتباط ندارد.^{۱۱}

سال‌های تحصیل تقی ارانی در آلمان سال‌های انتشار و تعطیلی مکرر روزنامه‌های چپ بود، روزنامه‌ای توقیف می‌شد و بلافاصله روزنامه یا مجله دیگری با نام دیگری و با همان محتوا از گوشه‌ای دیگر متولد می‌شد. تقی ارانی با تعدادی از روزنامه‌های چپ فارسی‌زبان همکاری فکری و قلمی داشت. همچنان که خود ارانی می‌گوید: «من اولین دفعه کلمه مارکسیسم و کمونیسم را در سال ۱۳۰۲ ش، از احمد اسداف که اکنون به اسم داراب در ایران است شنیدم، پس از آن دومین کسی که کمونیست (را به من شناساند) صنف کارگر است، از محصلین قدرت بود. تا سال ۱۳۰۶ ش، ابدا کتاب کمونیستی نخوانده بودم. در سال مزبور اول دفعه مانیفست کمونیسم را که از علوی گرفته بودم خواندم.^{۱۱}»

ارانی جزوه «پسیکولوژی»^{۱۲} را در سال ۱۳۰۶ ش در برلین نوشت، پسیکولوژی مانند بیشتر نوشته‌های ارانی متنی دانشگاهی و علمی است که در آن اهمیت موضوع، روش تحقیق و معادل‌های آلمانی دقیق لغات را نوشته است؛ خواب، رؤیا، حافظه، من، خود و آزمایش‌های روان‌شناسی را شرح می‌دهد و از «ماتریالیسم دیالکتیک» می‌گوید و مصادیق روان‌شناختی را با واژگان مارکسی مثل ماده، اختلاف طبقاتی، کارگران، تفکر کارگری و تفکر سرمایه‌داری و دهقانان شرح می‌دهد.

ارانی در این جزوه در مواردی انگشت‌شمار از فروید و مارکس نام برده است اما به‌وضوح تحت تأثیر این دو، «پسیکولوژی» را نوشته است. آثار فروید مثل «تعبیر خواب» و «تحلیل گروه و من» حافظه، من، خود و آزمایش‌های در آلمان منتشر شده بود و متون مارکس به زبان آلمانی و مانیفست کمونیست نیز در فضای فرهنگی و علمی آلمان مطرح بود. ارانی در «پسیکولوژی» شناخت فرد را پیش‌زمینه شناخت جامعه دانسته است و یک تعریف مارکسی از جامعه ارائه می‌دهد: «جامعه ترکیبی است از طبقات مختلفه زبردست و زبردست که در آن جوجهد طبقاتی زبردست، محو و نابودکردن طبقات زبردست نیست، زیرا حیوات و ممت آن به زحمت و کار این [طبقه زبردست] وابسته است ولی کوشش طبقات زبردست خلاص از فشار دسته مقتدر است»^{۱۳} و معتقد است «اگر منطق و دیالکتیک مدیر اجتماع باشد، طفیلی‌ها که از تهییج احساسات نسبت به لذات جسمانی از مدیحه و غیره سوااستفاده می‌کنند وجود نخواهند داشت»^{۱۴} و بدون ارجاع به مارکس می‌نویسد: «تمام تاریخ از ابتدا جنگ‌های طبقاتی بوده است و تاریخ تمام ملل تکرار می‌شود».^{۱۵}

این جزوه ۲۲۳صفحه‌ای نشان می‌دهد که ارانی رو به چپ مارکسی آلمانی آورده است؛ نه چپ روسی که در آن زمان پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، با سرعت در حال گسترش در جهان و ایران بود. این جزوه یکی از پیش‌نیازهای فهم مقالات ارانی در «مجله دنیا» است که چند سال پس از بازگشتش به ایران آن را منتشر کرد.

در این زمان رضاشاه دولت آلمان را وادار کرد تا از انتشار روزنامه‌های مخالف او که از سوی دانشجویان چپ در آلمان نوشته می‌شد، جلوگیری کند و بعد هم به مجلس شورای ملی ایران فرمان داد تا قانونی را تصویب کند که براساس آن، اعضای سازمان‌هایی که «پادشاهی مشروطه» را به خطر می‌انداختند یا «مرام اشتراکی» را تبلیغ می‌کنند، به ۱۰ سال زندان محکوم شوند. در این قانون عبارت عربی مبهم و قدیمی «اشتراکی» به کار رفت تا هر سه ایدئولوژی سوسیالیسم، کمونیسم و آتارشیسم را در بر بگیرد.^{۱۶} بعدها تقی ارانی در متن دفاعیه‌اش در دادگاه این قانون را «قانون سیاه» نامید.^{۱۷}

تقی ارانی پس از شش سال اقامت و تحصیل در آلمان، در اواخر سال ۱۳۰۸ به ایران بازگشت. از آذرماه ۱۳۰۴ که رضاخان به سلطنت رسیده بود، هیچ روزنامه‌ای جرئت نداشت علیه حکومت بنویسد و اگر چنین موردی پیش می‌آمد، می‌پوشند و مدیر روزنامه توقیف و زندانی می‌شدند. سانسور و توقیف مطبوعات چپ در دوره رضاشاه تا آن حد پیش رفت که به‌کاربردن واژه «کارگر» در مطبوعات جرم بود و نظمیۀ رضاشاه پافشاری می‌کرد که به جای کارگر از واژه «عمله» استفاده شود؛ چراکه کارگر وسیله تبلیغ کمونیسم بود.^{۱۸}

از دیگر سو، «حزب کمونیست ایران» نیز در برابر رژیم ایستادگی می‌کرد و در نخستین کنگره‌اش که در سال ۱۳۰۶ تشکیل شد، رژیم را فتودالی، نیمه‌استعماری و سرمایه‌داری دلال (کمپرادور) نامید و آن را رد کرد. گرچه دامنه فعالیت «حزب کمونیست ایران» تا اواسط سلطنت رضاشاه مداوم داشت؛ اما در سال ۱۳۱۰ قانون ضدکمونیستی، برپایی هر سازمان یا انجمن با هدف استقرار قدرت یک طبقه اجتماعی به طبقه‌های دیگر از راه زور یا سرنگونی نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور اس‌کندری نیز در همان زمان منحل و باشگاه‌های آن به آتش کشیده شد. در اواخر سال ۱۳۱۰ همه سازمان‌ها و شبکه‌های این حزب کشف و ویران شد و اکثر چهره‌های سرشناس آن دستگیر و زندانی شدند.^{۱۹} در آن سال‌ها پلیس فرقه کمونیست را بیش از احزاب دیگر سرکوب می‌کرد و در پاسخ به چپ‌گرهای افراطی، همه اتحادیه‌های کارگری، به‌ویژه «شورای متحده کارگران» را از فعالیت محروم کرد و از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲، ۱۵۶ نفر از سازمان‌دهندگان نیروهای کارگری را دستگیر کرد. پنج نفر از اعضای فعال فرقه کمونیست در زندان جان خود را از دست دادند و برخی دیگر ازجمله پیشه‌وری و آوانسیان، با پایان سلطنت رضاشاه در حبس ماندند. رضاشاه با اعتقاد به استبداد سیاسی و اصلاحات اجتماعی، رفترفته مدین پشیتیانان داخلی خود ازجمله روشنفکران را از دست می‌داد و بدون پشتیبانی حزب سیاسی سازمان‌یافته‌ای حکومت می‌کرد. روشنفکران جوان، کم‌کم در دهه ۱۳۱۰ به مخالفت برخاستند.^{۲۰} پس از اجرای قانون «ممنوعیت افکار اشتراکی، دیکتاتوری و اختناق بسیار شدید شد، فعالیت جریان‌های چپ راگد شد، بسیاری از فعالان حزب کمونیست به شوروی رفتند و برخی نیز در زندان‌های رضاشاه اسیر شدند».^{۲۱}

در سال ۱۳۱۲، تقی ارانی تصمیم به انتشار «مجله دنیا» گرفت. دفتر مجله در خیابان وزارت جنگ، کنار عمارت قزاقخانه قرار داشت. چند مترن طرف‌تر سردر تازه‌تأسیس باغ ملی با نقوش صحنه تسخیر تهران در کودتای ۱۲۹۹ و نگاره نمادقد لزبون‌های قزاق و کاشی‌کاری‌های شیروخروشید و گلوله‌های توپ و نیمه‌تخت فلزی رضاشاه در بالای در چدنی آن خودنمایی می‌کرد. «مجله دنیا» موجب ک‌رهمایی تعدادی دانشجوین و روشنفکران «زن و ماتریالیسم» پس از آن جلسه مخفی منظمی با هدف پرداختن به مباحث مارکسیسم در منزل دکتر ارانی برگزار می‌شد. «مجله دنیا» در ۱۲ شماره، از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ منتشر شد. از ۶۹ مقاله «مجله دنیا»، ۲۹ مقاله درباره پیشرفت علم، صنعت و تکنولوژی، ۱۱ مقاله فلسفی-اجتماعی، ۱۱ مقاله هنری، ۱۰ مقاله با عنوان «منظریه دنیا» درباره اطلاعات و اخبار روز جهان، چهار مقاله اقتصادی، مظهری درباره زنان مانند مقاله «زن و ماتریالیسم» و ترجمه زمانی اثر استفان تسوایک با عنوان «گل‌های سفید»، مقاله «من یک سیاهم» درباره رنگین‌پوستان و دو سرمقاله در شماره‌های اول و ششم را شامل می‌شد. ارانی لابه‌لای این نوع مقالات مسائل کلی فلسفی و تئوری مارکسیستی را بیان می‌کرد. انتشار «مجله دنیا» به دلیل مشکلات مالی در سال ۱۳۱۴ متوقف شد. در آثار و مقالات ارانی، اندیشه تغییر جامعه در ذهن او بر هر چیز اولویت دارد و تغییر جامعه خود یک امر سیاسی است. او این تغییر را با دانش روز و بینش بسیار کمال‌گرا دنبال می‌کرد.

پس از تعطیلی «مجله دنیا» تقی ارانی از طریق مطبوعات مطلع شد هفتمین کنگره کمپترن در مسکو برگزار خواهد شد؛ بنابراین به بهانه سفر به انگلستان گذرنامه دریافت کرد و در مسکو با راهنمایی دوستانش کمپترن تماس برقرار کرد. پس از این سفر فردی به نام کامران که از کادرهای پرورش‌یافته کمونیست در شوروی بود، به ایران آمد تا در تشکیل حزب کمونیست با دکتر ارانی همکاری کند. در خفخان رضاشاهی سازماندهی مخفی مدتی ادامه پیدا می‌کند تا در اردیبهشت ۱۳۱۶ لو می‌روند و دستگیر می‌شوند. هم‌زمان با دستگیری دکتر ارانی، ۵۲ نفر دیگر نیز به اتهام تشکیل سازمان مخفی اشتراکی دستگیر می‌شوند. در میان دستگیرشدگان افرادی مانند خلیل ملکی، ایرج اسکندری، انور خامه‌ای و احسان طبری بودند که بعدها از چهره‌های مطرح جریان چپ و حزب توده ایران شدند. تقی ارانی هرگز نپذیرفت که بین‌الملل سوم به شوروی وابسته است و در متن دفاعیه خود در دادگاه نیز وابسته‌ناستن بین‌الملل سوم به شوروی را نشانه چهل محض از دنیای سیاست خواند.^{۲۲}

محمدتقی ارانی در دادگاه متن دفاعیه خود را قرائت کرد، در آن از عملکرد خود و یارانش دفاع و از سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه به‌شدت انتقاد کرد. در زمان رضاشاه مرسوم نبود که کمونیست‌ها و متهمان فرقه‌های اشتراکی در دادگاه یا دادگستری محاکمه شوند، اما رژیم رضاشاه این دادگاه را برگزار کرد تا همسویی خود را با آلمان و انگلیس در جبهه مبارزه ضد کمونیستی نشان دهد.^{۲۳} محمدتقی ارانی در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ ش، پس از ماه‌ها شکنجه در زندان قصر از دنیا رفت و در امام‌زاده‌عبده‌ال شهرری دفن شد. امروز سنگ قبری از او در این مکان وجود ندارد. محاکمه ارانی بیش از آنکه یک بحث شخصی و حتی گروهی باشد، یک بحث تاریخی است. دستگیری، محاکمه و دادگاه ۵۳ نفر به طور مستقیم ربطی به شخص تقی ارانی ندارد؛ این محاکمه بیشتر به تاریخ مربوط می‌شود نه به اعمال یک انسان؛ تاریخ و زمانه‌ای که به مبارزه با کمونیسم برخاسته بود.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه اول

منافع روسیه مهم‌تر از دیگران

با دولت بشار اسد همکاری نزدیک دارد تا بتواند پایگاه دریایی طرطوس را کماکان در اجاره خود داشته باشد و در شرق مدیترانه از مزایای استراتژیک آن بهره بگیرد که در دوره شوروی نیز به آن دسترسی داشت. پوتین خود رأساً فرماندهی نظامی را عهده‌دار بوده است و به‌جای اسد به سؤال‌های محیط بین‌الملل پاسخ می‌دهد و تصمیم می‌گیرد. ایران به سوریه به‌عنوان متحد استراتژیک خود یاری رسانده و کمک‌های فراوان کرده است، اما روسیه ایران را به‌اندازه ارزش و اندازه خود مورد ملاحظه قرار نداده و نخواهد داد.

در اعلام پایان عملیات ضد داعش، پوتین در پایگاه نظامی در سوریه نامی از ایران نبرد. در اثر این پیروزی که با مساعی بی‌بديل ایران همراه بوده و شهادای زیادی هم در این راه داده، روسیه خود را قهرمان و برنده میدان معرفی کرده است. روسیه به دیگران نگاهی ابزاری داشته و خواهد داشت. با این پدیده چگونه باید برخورد کرد؟ غرب راه دوره جنگ سرد را در پیش گرفته است. یکی از مهم‌ترین دلایل سقوط شوروی، کشاندن اتحاد شوروی به مسابقه تست‌لیحاتی از سوی غرب بود. شوروی در آن دوره توان رویارویی نظامی با غرب را از دست داده بود و اقتصاد آن به سبب پرداختن به هزینه‌های نظامی فلج شده بود. بودجه دولت صرف نیروی‌های نظامی و تسلیحات و نیروهای امنیتی و کاب.گ.» شده بود و در نهایت سقوط اقتصادی را به‌همراه داشت. روسیه در سوریه هزینه بسیار کرده است و در اثر تحریم غرب پس از اشغال نظامی کریمه و انضمام آن به خاک خود، هزینه‌های نظامی‌اش را افزایش داده است. بودجه نظامی روسیه به‌اندازه ۱۰ درصد بودجه نظامی ایالات متحده است و اگر هزینه نظامی کل کشورهای عضو ناتو را هم در نظر بگیریم، روسیه برای توازن استراتژیک نظامی ناگزیر سهم بزرگی شاید بیش از نصف درآمد ناخالص داخلی خود را باید صرف بودجه نظامی کند. اکنون در این فرایند روسیه به جلو کشاندن می‌شود و در پی آن سلاح‌های جدیدی تولید و وارد بازار فروش اسلحه می‌شود؛ اما سهم فروش اسلحه در بازارهای جهانی اگرچه روسیه را در مقام دوم قرار می‌دهد، ولی کل آن در جهان کمتر از ۵۰ میلیارد دلار در سال است. به‌همین‌سبب روسیه برای راضی‌نگه‌داشتن مردم خود از بحران موجود باید در صحنه بین‌الملل فعال ماباشد. ایران با حسن نیت برای دفع فتنه داعش از عراق و سوریه کوشش بسیار کرد، ولی روسیه با سیاست خارجی خود ارزش‌های ایران را کم‌بها شمرده است، به‌همین‌سبب ایران درس بزرگی از همکاری با این همسایه نا‌همسایه می‌گیرد. منافع ملی روسیه بر هر موردی رجحان دارد. برای ایران نیز باید منافع ملی در رأس امور قرار گیرد. روسیه برای حضور و نفوذ در خاورمیانه به همکاری با ایران نیازمند است. ایران باید جایگاه خود را دریابد و اجازه ندهد که روسیه از ایران استفاده ابزاری کند و اگرچه سا این همکاری را استراتژیک می‌نامیم، ولی روسیه در صحنه سوریه نشان داد در تاکتیک‌ها ایران را به بازی می‌گیرد، اما در تقسیم قدرت ایران را به بازی نمی‌گیرد. ایران به سبب موقعیت و جایگاه و ساختار رسمی، فرهنگ و تاریخ، کشوری منحصر به فرد است و نتوانسته تبدیل‌شود و این خوشبختی روسیه نیست. هرگاه در شمال ایران روسیه‌ای قدرتمند به منصف ظهور رسیده، از قدرت‌یابی ایرانی قدرتمند و تأثیرگذار در پیرامون جلوگیری کرده است. به یاد داشته باشیم پرونده هسته‌ای و تحریم‌های کم‌رشدگ شورای امنیت از سوی روسیه هم تأیید شد و روسیه از کارت وتوی خود به نفع ایران استفاده نکرد، اما در سوریه چندین‌بار از بشار اسد دفاع کرده است. در پایان می‌توان گفت اگر تحریم‌های غرب علیه روسیه برداشته شود، بدون شک روسیه با غرب پیوند خواهد خورد، زیرا به تکنولوژی غرب به‌شدت نیاز دارد و برای بقای خود ناگزیر به مرادوات با غرب خواهد بود. اقتصاد ایران و روسیه تکمیلی نیست و از حد کمتر از سه میلیارد دلار نمی‌تواند فراتر برود، ولی رابطه با غرب برای روسیه پوتین ارزش والایی دارد و دانما پیام‌های آشتی‌جویانه و نه خصمانه به غرب می‌فرستد. این می‌تواند نکته‌ای مهم در توازن قدرت بین ایران و روسیه باشد. در سیاست‌های اعمالی روسیه دیده می‌شود که ایرانی قدرتمند خوشایند روسیه نیست، باید این را پذیرفت و راه توسعه ملی و حفاظت از منافع ملی را با سیاست‌های داخلی متکی بر همه نیروهای ملی تدوین کرد.